



# امتحانات متمرکز عمومی نیمسال دوم ۹۸-۱۳۹۷

پایه چهارم ۵ ساله، ششم ۷ ساله، پنجم پاره وقت

مهر مدرسه

ماده: ۱۰ صبح / نمره: ۱۵ / مدت: ۷۰ دقیقه

شماره یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

کد امتحان :	۲۹۷۲/۲۲
تاریخ آزمون :	۱۳۹۸/۰۴/۰۹
عنوان:	اصول فقه ۳
کتاب:	دروس فی علم الاصول
محدوده:	از ابتدای دلیل شرعی غیر لفظی تا ابتدای اصول عملیه (ص ۲۲۰-۱۵۱)
حذفیات:	ندارد

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... کد طلایی: ..... مدرسه علمیه: ..... شهرستان: ..... استان: .....

۱- بنا بر مبنای شهید صدر (د<sup>۵</sup>)، یقین به شجاعت حضرت علی (ع) به دلیل روایات فراوانی که بیان می کنند حضرت جنگ های فراوانی شرکت نموده است، از کدام قسم تواتر است؟ ص ۱۵۹ (امتحانات عمومی نیمسال اول ۹۶-۹۵)

۰/۵

- الف. معنوی
- ب. حدسی
- ج. اجمالی
- د. لفظی

۲- به نظر شهید صدر (د<sup>۵</sup>) در بسیاری موارد، واسطه بین اجماع و حکم شرعی چیست؟ ص ۱۶۲ (امتحانات متمرکز مجدد ۹۵-۹۴)

۰/۵

- الف. روایت خاصه
- ب. سیره متشرعه
- ج. سیره عقلانیه
- د. شهرت روایی

۳- اگر دلیل حجیت خبر واحد، سیره باشد، موضوع حجیت کدام است؟ ص ۱۷۲

۰/۵

- الف. خبر الثقة و لو غیر عادل
- ب. خبر العادل و لو غیر ثقة
- ج. خبر العادل مطلقاً
- د. خبر الثقة العادل

۴- موضوع حجیت ظهور کدام است؟ ص ۱۷۹

۰/۵

- الف. ظهور تصویری و تصدیقی
- ب. ظهور معنای وضع شده
- ج. ظهور تصدیقی
- د. ظهور تصویری

۵- مراد از «تقریر معصوم (ع)» را تبیین کرده، یک دلیل عقلی بر کاشفیت آن از امضاء معصوم (ع) را بنویسید. ص ۱۵۲ ۲

جواب: هنگامی که معصوم (ع) با سلوک و رفتار معینی از مردم مواجه می شود و سکوت نماید، سکوت ایشان کاشف از امضاء است و این سکوت یکی از اقسام دلیل شرعی غیر لفظی است که تقریر نام دارد. دلیل عقلی مبنی بر کاشفیت: سلوک اگر مورد رضایت معصوم (ع) نیست لازم است به دلیل اینکه ایشان معصوم هستند به جهت وجوب نهی از منکر یا تعلیم جاهل، این سلوک را رد نمایند و لکن ایشان سکوت کرده اند در نتیجه ایشان رضایت به این سلوک دارند. [دلیل دیگر در کتاب]

۶- اشکال مطرح در عبارت «ان الحكم بوجوب التبين علل بالتحرز من الاصابة بجهالة، و العلة المذكورة مشتركة بين الاخبار الاحاد بما في ذلك خبر العادل» بر استدلال برای «حجیت خبر واحد» از طریق آیه شریفه نبأ را تبیین کرده، دو پاسخ برای آن بنویسید. ص ۱۶۷ - (امتحانات متمرکز مجدد ۹۵-۹۴)

۲

جواب: اشکال: برای حکم بوجوب تبیین به «تحرز از اصابت به جهالت» تعلیل آورده شده است [ان تصیبوا قوماً بجهالة] و این علت (یعنی جهل) هم در خبر فاسق و هم در خبر عادل موجود است زیرا خبر عادل نیز ظنی است در نتیجه تعلیل، قرینه متصله است برای الغاء مفهوم (۱ نمره)

پاسخ: ۱. جهالت به معنای عدم علم نیست بلکه به معنای سفاقت است که شامل عمل به خبر عادل که عقلاء به آن عمل می‌کنند نمی‌شود. ۲. چون مفهوم

اخص است از عموم تعلیل در نتیجه مفهوم مقید تعلیل است. (۱ نمره) [پاسخ دیگر در کتاب]

۷- چگونه برخی از طریق آیه شریفه: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ» (ال عمران: ۷) بر عدم حجیت ظواهر قرآن استدلال نموده اند؟ دو پاسخ شهید صدر<sup>(ع)</sup> بر آنها را بنویسید. ص ۱۸۱-۱۸۰

جواب: استدلال: این آیه شریفه بر نهی از اتباع متشابه دلالت دارد و مراد از متشابه، غیر نص و از جمله ظواهر است زیرا احتمالات معنای لفظ از این حیث که لفظ برای اراده دو یا چند معنا صلاحیت دارد، مشتبه و نامعلوم است. پاسخ اول: لفظ ظاهر متشابه نیست زیرا معنای ظاهر رابطه قویتری با لفظ دارد پس مراد از متشابه فقط مجمل است. پاسخ دوم: بر فرض بپذیریم که ظاهر، متشابه است ولی آیه صرف عمل به متشابه را نهی نکرده است بلکه منهی شارع تمرکز بر متشابهات و جدا کردن آنها از محکومات به جهت فتنه است در صورتیکه منظور از حجیت ظواهر، این معنا مراد نیست. [پاسخ دیگر در کتاب]

۸- مراد از قید وجوب (فعلیت) و قید واجب را با مثال بیان کرده، وظیفه مکلف نسبت به تحصیل هر کدام را با دلیل بنویسید. ص ۱۹۳-۱۹۲

جواب: قید وجوب: قیدی که شرط فعلیت حکم است یعنی قبل از تحقق این قید، تکلیف فعلیت ندارد مانند استطاعت برای وجوب حج که تا قبل از تحقق استطاعت، وجوب حج بر مکلف فعلی نیست. قید واجب، خصوصیتی است که موجب تخصیص واجب می‌شود به عبارتی با این قید، متعلق امر حصه‌ای خاص و مقید است. (۱ نمره) مکلف در مورد تحصیل قیود وجوب وظیفه‌ای ندارد به این دلیل که قبل از حصول، چون وجوب، فعلی نیست مکلف وظیفه‌ای ندارد بعد از وجوب هم که قید حاصل شده پس وجوب تحصیلش، معنا ندارد. مکلف وظیفه دارد قید واجب را تحصیل نماید زیرا وجوب متعلق به واجب و تقید به آن قید است پس لازم است تحصیل قید تا تقید حاصل گردد که با حصول تقید، واجب امتثال گردد. (۱ نمره)

۹- اشکال مطرح در عبارت: «أَنَّ فِي حَالَةِ تَرْكِ الْمَكْلُفِ لِكُلِّ الْوَاجِبِينَ يَلْزَمُ أَنْ يَكُونَ كُلُّ مِنَ الْأَمْرَيْنِ فَعْلِيًّا فِي حَقِّهِ لِأَنَّ شَرْطَ فَعْلِيَّةِ كُلِّ أَمْرٍ مُحَقَّقٍ وَهُوَ مَحَالٌ» را بر «ترتب» تبیین نموده، پاسخ شهید صدر<sup>(ع)</sup> را بنویسید. ص ۲۰۳

جواب: بر فعلیت دو امر به ضدین به نحو ترتب اشکال کرده‌اند که محال است زیرا در صورت ترک هر دو واجب توسط مکلف، هر دو امر برای مکلف فعلی می‌شود به این دلیل که هر کدام از دو ضد مشروط به عدم امتثال طرف دیگر است (یا ضد اهم مطلق است و ضد مهم مشروط به عدم امتثال طرف دیگر) پس وقتی که هیچ کدام را امتثال نکند شرط وجوب و فعلیت، محقق شده و هر دو امر فعلی می‌گردد در صورتیکه فعلیت دو امر، یعنی جمع به ضدین و محال است، پاسخ: اگر چه دو امر در چنین حالتی فعلیت دارند ولی مادامی که یکی را امتثال نماید، موضوع تکلیف دیگر نفی می‌شود پس محذور اجتماع ضدین حاصل نمی‌شود [و به همین دلیل است که اگر بر فرض محال هر دو ضد را مکلف انجام دهد، بر وجه مطلوب امتثال نشده‌اند و فقط امتثال یک طرف مطلوب شارع است.]

۱۰- ثمره بحث «اقتضاء وجوب الشيء لحرمه ضده» را به همراه مثال تبیین نمایید. ص ۲۱۳-۲۱۲

جواب: بنا بر قبول اقتضاء، تصحیح ضد عبادی مانند نماز به وسیله امر ترتبی امکان ندارد به خلاف مبنای عدم اقتضاء مثلاً اگر ازاله نجاست از مسجد اهم باشد و وجوبش ثابت بر مبنای قبول اقتضاء، نماز حرام است و اگر مکلف ازاله نجاست را ترک و به نماز بپردازد چون امکان ندارد امر عبادی به منهی عنه تعلق گیرد. (استحاله اجتماع امر ونهی) پس چون نماز امر ندارد، نمی‌توان قصد امتثال نمود اما در صورت عدم قبول اقتضاء، نماز منهی عنه نیست پس می‌تواند امر به نحو ترتب به آن تعلق بگیرد پس در صورت ترک ازاله نجاست و اختیار نماز، نماز او صحیح است.

۱۱- عبارت: «ذهب بعض الی ان القطع بالحکم الشرعی الناشئ من قضایا عقلیة لا اثر له، بمعنی تحویل القطع من طریق الی موضوعی، و ذلک باخذ قید (عدم العلم بجعلها من ناحیة العقل) فی فعلیة الاحکام الشرعیة» را به همراه مثال تبیین کرده و توضیح دهید در صدد نفی چیست؟ ص ۲۲۰

جواب: بعضی دلیل عقلی را حتی اگر قطعی باشد حجت نمی‌دانند و برای حل مشکل عدم قابلیت انفکاک حجیت از قطع اینگونه توجیه کرده‌اند که قطع طریقی را به قطع موضوعی تبدیل می‌کنند به این نحو که قائلند قید «عدم علم به جعل» در فعلیت احکام شرعی (مجموع) اخذ شده است مثلاً «فلان عمل واجب است برای کسی که از طریق غیر عقلی به تشریح این عمل علم پیدا نماید». پس اگر کسی از طریق عقلی به وجوب فلان عمل، قطع پیدا نمود با توجه به قید مذکور، حکم شرعی برای او فعلیت نمی‌یابد و به عبارتی اصلاً به حکم شرعی فعلی علم ندارد در نتیجه عملاً چنین دلیل قطعی عقلی، اثری ندارد.

«سامانه پیام کوتاه ۰۵۰۰۱۷۱۷۱۴۴۴۱ معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می‌باشد.»

«در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری می‌باشد.»